

هفت خوان رستم

سید احمد سعید مدنی

www.ketab.ir

سرشناسه	: مدنی. سید محمد سعید، ۱۳۴۰ -
عنوان قراردادی	: شاهنامه، هفت خوان رستم، شرح
	Shahnameh. Haft Khan-e Rostam. Commantries
عنوان و نام پدیدآور	: هفت خوان رستم / سید محمد سعید مدنی.
مشخصات نشر	: تهران: شرکت انتشارات کیهان، ۱۳۹۶ -
مشخصات ظاهری	: ۴۱۰ ص: ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س. م.
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال: ۳-۴۴۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه، هفت‌خوان رستم - نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Haft Khan-e Rostam - Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry - 10 th century - History and criticism
شماره افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه، هفت‌خوان رستم، شرح
شناسه افزوده	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Haft Khan-e Rostam - Criticism and interpretation
رده‌بندی کنگر	: ۹۶ هـ. م / ۴۴۹۶ PIR
رده‌بندی دیویی	: ۱۰۰۰ ف
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۰۳۷۱۴

ISBN: 978-964-458-348-3

شابک: ۳-۴۴۸-۹۶۴-۹۷۸

نام کتاب:	هفت خوان رستم
مؤلف:	سید محمد سعید مدنی
نوبت چاپ:	اول - ۳۹۷
طراحی جلد:	اهورا خطیبی
حروفچینی و صفحه‌آرایی:	غلام اقتداری
چاپ:	مؤسسه کیهان
تیراژ:	۱۱۰۰ نسخه
قطع:	رقعی - (۴۱۰ صفحه)
قیمت:	۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه	۱
- فصل اول: تاجگذاری منوچهر	۵
- فصل دوم: زاده شدن زال	۱۵
- فصل سوم: زال و رودابه	۴۳
- فصل چهارم: زنده شدن رستم	۱۳۷
- فصل پنجم: اولین جنگ ایران و توران	۱۸۶
- فصل ششم: جنگ دوم ایران و توران	۲۸۳
- فصل هفتم: هفت خوان	۳۱۵

مقدمه

در مقدمه چاپ دوم «اوستا شاهنامه» (داستان ایرج) وعده داده بودیم که بزودی کتابی هم تحت نام «خوان» در آینده در دسترس علاقه‌مندان و خوانندگان محترم قرار خواهد گرفت. اینک خوشحالیم که به وعده خود وفا کرده و کتاب ۷ خوان (هفتخوان) را به حضور خوانندگان ارجمند و سروران عزیز تقدیم می‌کنیم.

با اینکه قصد طولانی کردن مقدمه را نداریم اما یادآوری یک نکته را ضروری می‌دانیم که با اینکه نگارنده نه ادیب است و نه شاهنامه‌شناس و... و هیچگونه ادعایی هم در این باره ندارد، بلکه او فقط خبثت‌خیز سادۀ این اثر بزرگ و شاهکار جاودانه است و توفیق داشته که چند باره این کتاب (به ویژه بخش اساطیری و پهلوانی) را مطالعه کند، اما با همین قدر سطالت و غرور و برداشت خود دریافته که شاهنامه، کتابی مبتنی بر آموزه‌های توحیدی و اخلاقی و اسلامی است و ارزش‌هایی که در آن مطرح می‌شود و در زبان و رفتار قهرمانان و پهلوانان آن مطرح می‌شود، غالباً منبعث از فرهنگ الهی و مورد تایید مکتب جان‌آفرین و انسان‌ساز اسلام، و این البته برداشت و فهمی است درست برخلاف جهت اراده‌ها و تلاش‌هایی که برخی ناآگاهانه و

بی‌غرضانه و برخی کاملاً هدفدار و مغرضانه سعی در القای معانی دیگر و تفسیرهایی غیر از این دارند و مثلاً فردوسی را فردی دارای افکار ماتریالیستی، آن هم از نوع «مارکسیستی»! آن و یا شاعری دارای افکار ناسیونالیستی، آن هم از نوع ناسیونالیست‌های کور و بی‌منطق اواسط قرن نوزده اروپا، که در نهایت به رقابت‌های بیرحمانه استعماری و برپایی در جنگ ویرانگر و مصیبت‌بار جهانی و کشته شدن حدود ۸۰ میلیون نفر از ساکنان غالب به شاه کره خاکی منجر شد و... جلوه دهند.

تائید می‌شود این حقیر شاهنامه‌شناس نیست، حتی لیاقت شاگردی اساتید راستین و ورگی که درباره این اثر بزرگ و ماندگار - که بی‌شک یکی از افتخارات این ملک و ملت به حساب می‌آید - کار خالصانه و تحقیق عالمانه کرده و مقالات نوشته و کتاب‌های نفیس تألیف کرده را هم ندارد، اما با این همه نمی‌تواند مسائل بدیهی را هم انکار کند و روشنایی خورشید را نادیده بگیرد و در برابر بی‌انصافی‌ها و سوا مقر بی‌ای عالمانه! با جرات اعلام نکند که شاهنامه مثل اکثر قریب به اتفاق آثار شاهکارگونه و ماندنی ادیبان و حکیمان و فلاسفه این مرز و بوم در پس از سلا ضمن تکیه بر منابع و تحقیقات ارزشمند دیگران، کاملاً منبعث از تعالیم زآمره‌های الهی این دین آسمانی است که برخی از آنها مثل آثار مولوی و حافظ - جز یک «تفسیر قرآن» به حساب می‌آیند.

به قول یکی از ادیبان و شعرای معاصر: «... فردوسی با آنکه وضع کارش اساطیر کهن ایرانی بوده است و این اساطیر و قصه‌ها پرورده و ساخته شده در متن فرهنگ زردشتی است، با این همه، اخلاق کلی حاکم بر شاهنامه، اخلاق اسلامی است نه اخلاق زردشتی، یعنی ترازوی فردوسی در این منظمه عظیم برای سنجش اعمال نیک و بد پهلوانان و قهرمانان و داوری در کار جهان با معیارهای فرهنگ اسلامی میزان می‌شود.

موضوع کلی شاهنامه از آغاز تا پایان، سرگذشت و رویدادهای پنجاه شهریاری است که از کیومرث آغاز و به یزدگرد سوم ختم می‌شود، اما این

قالب بیرونی و شکل ظاهری آن است... فردوسی غالباً در آغاز هر داستان مهمی از شاهنامه خطبه‌ای دارد که در آن خطبه‌ها ضمن برخی گزارش‌های احوال شخصی، به تأمل در کار جهان و داوری درباره نیک و بد و چند و چون کار آدمی و صلاح اندیشی، می‌پردازد. جهان‌بینی کلی فردوسی در همه این خطبه‌ها در حوزه اخلاق اسلامی است. والاترین شخصیتی که فردوسی در شاهنامه آفریده است، رستم است. آن ایرانی آرمانی که می‌باید الگویی باشد تا ایرانیان همواره در پیش چشم داشته باشند، در شاهنامه، از نظر فراسی، رستم است. بنابراین رستم، علاوه بر داشتن حد اعلای توانایی جسمی، برای پاسداری ایران و مقابله با اهریمنان خارجی و داخلی، ناگزیر می‌باید به احصای صفات روحی و خلقی نیز، نمونه باشد. به همین اعتبار رستم، در شاهنامه، تنها یک ابر قدرت جسمی نیست و فردوسی رستم را از این لحاظ نیز برخوردار از صفات و خصلت‌های نیک فراوان کرده است. برای روشن شدن این نکته که اخلاق حاکم بر شاهنامه، اخلاق اسلامی است و نه اخلاق زردشتی، تنها کافی است به شخصیت رستم، یعنی محبوب‌ترین آفریده فردوسی را در شاهنامه مطالعه کنیم. دقیق در شخصیت رستم، براساس متن شاهنامه، نشان می‌دهد که صفات رستم، فواید شناخته شده در اخلاق اسلامی است.^۱

با این همه، به گمان حقیر هنوز درباره شاهنامه، مثل خیلی دیگر از سرمایه‌های معنوی و فکری که به این کشور، هدیه می‌دهد و افتخار می‌بخشد و رمز پایداری آن در برابر تندباد حوادث تاریخی و شبیخون‌های تاراجگرانه غرب و شرق بوده - کم کاری‌های بسیار از جانب آنها نهاده‌اند. تاریخ و فرهنگ و آینده این «مرز پرگهر» را دارند، به اسلام ایمان دارند و به ایران عشق می‌ورزند و نگران تهاجم بی‌امان و خستگی‌ناپذیری هستند که بیش از هر کس و بیش از هر طبقه و قشری، نسل جوان ما را تهدید می‌کند،

با نشانه رفتن باور و ایمان و انگیزه، قصد متزلزل کردن «هویت ایرانی - اسلامی» او را دارند، صورت گرفته و در این عرصه تقریباً میدان را کاملاً برای گرد و خاک کردن «نااهلان پرمدعی» و «مغرضان در خدمت دشمن» خالی کرده‌اند و...

در پایان مایلیم باید این کتاب را به عزیزی که مرا از سنین کودکی، در شاهیام سرد زمستانی با نقل و روایت‌های شفاهی داستان‌های کهن و حماسی و خرد کتب پهلوانی مثل امیرارسلان، حسین کرد، ملک جمشید و کره سبز (داستان‌هایی از شاهنامه (بیژن و منیژه، رستم و سهراب، رستم و اشکبوس و...) شناسانده و با علاقه‌مند ساخت یعنی عموی عزیز و بزرگوارم حاج آقا سید محسن حسینی تقدیم کنم. خداوند سایه ایشان و همه بزرگان را بر سر ما مستدام بدارد.

... و در آخرین جمله نیز می‌نویسم ضمن تشکر و قدردانی از عزیزانی که با مطالعه این نوشته، منت سر نگارنده می‌گذارند، از این بزرگواران تمنا کنم، بزرگواری را تمام کرده و با ذکر نقائص و اشکالات و خطاها و اغلاط و... حتماً موجود در این نوشته، بنده را راهنمایی نموده و در اصلاح و تقویت احیاناً چاپ و یا چاپ‌های بعد تأثیرگذار باشند.

فروردین ۱۳۹۷ م.س.م